

بررسی نقش نهادها، سازمان‌ها و افراد در توقف مدارس غیردولتی از نظر مؤسسان و کارشناسان: بازسازی معنایی

■ عباس معدن‌دار آرانی*

چکیده:

پژوهش حاضر به بررسی نقش نهادها، سازمان‌ها و افراد در متوقف‌ساختن مدارس غیردولتی (غیرانتفاعی سابق) از نظر مؤسسان و کارشناسان و ارائه یک تحلیل معنایی برای آن می‌پردازد. یافته‌های کیفی از طریق مصاحبه هدفمند با سه گروه، شامل مؤسسان فعال، مؤسسان غیرفعال و کارشناسان دفاتر مدارس غیردولتی در ۴ منطقه جغرافیایی کشور جمع‌آوری گردید. تحلیل نتایج مصاحبه عمیق هدفمند، تهیه یک مدل معنایی برای ارائه توضیحی بر علل درخواست برای متوقف‌نمودن فعالیت مدارس غیردولتی با تأکید بر نقش نهادها، سازمان‌ها و افراد است. براساس مدل، پیامد این نقش مداخله‌گرانه بروز پدیده "مدارس رقیب" است. همچنین مدل مبین آن است که مؤسسان مدارس غیردولتی برای مقابله با این نقش مداخله‌گرانه به سه راهبرد متفاوت پذیرش، مقاومت و تسلیم روی آورده‌اند. این سه راهبرد با عنایت به تئوری‌های مرتبط با چهار حوزه اقتصادی، سازمانی، مدیریتی و آموزشی قابل تبیین است و نشان می‌دهد که مؤسسان مدارس غیردولتی در حال حاضر عمدتاً دچار وضعیتی به نام "بی‌ثباتی نسبی" شده‌اند.

کلید واژه‌ها:

مدارس غیردولتی، بازسازی معنایی، نهاد، سازمان

مقدمه

در طی دو دهه پایانی قرن بیستم و در راستای سیاست "کوچک‌سازی نظام دولتی"، بسیاری از کشورهای جهان شاهد واگذاری فعالیت‌های اقتصادی دولتی به بخش خصوصی بودند. روند خصوصی‌سازی به حوزه فعالیت‌های آموزشی نیز تسری یافته و ابعاد گوناگون آن در معرض توجه و علاقه سرمایه‌گذاران خصوصی قرار گرفت. نظام آموزشی ایران نیز از این روند متأثر شد، به نحوی که تأسیس مدارس غیرانتفاعی - که اخیراً این نام به غیردولتی تغییر یافته - در اواخر دهه ۶۰ خورشیدی را می‌توان نشانگر نخستین اقدام در جهت پژوهش این سیاست دانست. پی‌آمد عینی اتخاذ این سیاست

□ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۲/۱۱/۲۶

□ تاریخ شروع بررسی: ۹۲/۶/۱۶

□ تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۴/۱۵

rie2000@gmail.com

* استادیار دانشگاه لرستان

بعد از دو دهه، تأسیس و راه‌اندازی بیش از ۱۶۰۰۰ مدرسه غیردولتی، پوشش تحصیلی بیش از یک میلیون فراگیر و ایجاد ۱۰۰ هزار فرصت شغلی بود (دفتر پشتیبانی و توسعه مدارس غیردولتی، ۱۳۸۸). طبیعی است که همچون هر فعالیت اقتصادی دیگر، گذشت زمان اثرات مثبت و منفی متفاوتی بر سیاست خصوصی‌سازی آموزش و به‌ویژه بر تداوم و چگونگی فعالیت "مدارس غیردولتی" به‌عنوان "بناگاه‌هایی اقتصادی" گذاشته است؛ به‌طوری که با ورود به دهه سوم فعالیت این مدارس لازم است همچون سایر فعالیت‌های اقتصادی، همه ابعاد، فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی این مراکز آموزشی مورد بررسی و ارزیابی دقیق قرار گیرد و خط‌مش‌های نوینی توسط برنامه‌ریزان و سیاست‌گزاران نظام آموزشی اتخاذ شود (انصاری، ۱۳۸۴). آشکار است که بی‌توجهی و غفلت از ضرورت‌ها و باید و نبایدهای محیطی تداوم حیات این مدارس را به چالش خواهد کشید. این فراز و نشیب‌ها عمدتاً متأثر از نقش عوامل متعدد اقتصادی، سازمانی، مدیریتی و آموزشی است که هر یک باید به تفکیک مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرند. در این میان نمی‌توان نقش و تأثیر نهادهای سازمان‌ها و افراد را در تداوم فعالیت مدارس غیردولتی نادیده انگاشت^۱. در سال‌های اخیر دست‌اندرکاران نظام آموزشی شاهد بروز پدیده‌ای به نام "توقف مدارس غیردولتی" می‌باشند، بدین معنی که در یک روند روبه‌رشد بسیاری از مؤسسان فعلی مدارس، متقاضی تعطیلی و توقف فعالیت مدرسه خود از طریق قانونی شده‌اند. بر این اساس هدف مقاله حاضر بررسی تأثیر نهادهای سازمان‌ها و افراد اثرگذار بر بروز پدیده مذکور است.

پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر و با تشدید بحران‌های اقتصادی همچون تورم و رکود ادواری، دست‌اندرکاران و سیاست‌گذاران آموزشی شاهد بروز و تشدید پدیده "توقف مدارس غیردولتی" می‌باشند. بررسی نظریه‌های مرتبط با چهار حوزه اصلی مؤثر بر بروز بحران توقف مدارس یعنی اقتصاد، سازمان، مدیریت و آموزش و مددگیری از معدود پژوهش‌های قبلی می‌تواند تا حدودی به درک و تحلیل چرایی نقش نهادهای سازمان‌ها و افراد در تسریع روند توقف این مدارس یاری رساند. اولین چالش اقتصادی را می‌توان از منظر تئوری‌های اقتصاد خرد و اقتصاد کلان مورد بررسی قرار داد. از منظر اقتصاد خرد، تئوری عرضه و تقاضا و تئوری رفتار مصرف‌کننده مورد توجه است. براساس تئوری نخست، آموزش به‌عنوان یک کالا تا حد زیادی متأثر از قانون عرضه و تقاضا هم برای عرضه‌کننده و هم مصرف‌کننده می‌باشد (ویس، ۱۹۹۵). آمار مبین آن است که در طی یک دهه اخیر (دهه ۸۰) تقاضای تأسیس مدارس غیردولتی روندی صعودی را داشته است، به‌نحوی که در بعضی از استان‌هایی که بیشترین تعداد مدارس متوقف شده را داشته‌اند، صدور مجوز تأسیس این مدارس نیز ۳ برابر افزایش یافته است (دفتر پشتیبانی و توسعه مدارس غیردولتی، ۱۳۹۰). براساس نظریه دوم یعنی نظریه رفتار مصرف‌کننده، باید به رفتار والدین - به‌عنوان کسانی که نقش اصلی را در انتخاب مدرسه برای فرزندان

خود دارند- نیز توجه کرد، چرا که قانون نزولی مطلوبیت نهایی، به‌ویژه با عنایت به مصرف کالاهای دیگر، برای خانواده‌ها حائز اهمیت است (نادری، ۱۳۸۳). از منظر اقتصاد کلان باید به نقش و تأثیر دولت در روند خصوصی سازی آموزش توجه کرد. در واقع هیچ تحلیلی نمی‌تواند بدون شناخت موضع و نگاه نظام سیاسی به خصوصی شدن مدارس، مبتنی بر واقعیت باشد. شناخت سیاست‌های اصلی و همچنین چرخش‌های موجود در سیاست‌ها، در پی آمدوشد دولت‌های مختلف، می‌تواند کلید شناخت نقش نهادها، سازمان‌ها و افراد در رونق یا رکود فعالیت‌های اقتصادی در حوزه آموزش باشد (هیگ، گارنیه و فولر، ۱۹۸۸). دومین چالش یعنی چالش سازمانی را می‌توان از منظر دو نظریه مدیریت علمی و سیستمی مورد بررسی قرار داد. از منظر نظریه مدیریت علمی، مدارس غیردولتی به‌عنوان سازمان‌های خصوصی تا حد زیادی متأثر از عملکرد سازمان‌های دولتی و به‌ویژه سازمان آموزش و پرورش هستند. یافته‌های پژوهشی قبلی مؤید آن است که رابطه موجود بین این دو گروه، مبتنی بر اصول حاکم بر نظریه مدیریت علمی نیست، چرا که عدم‌سازگاری و هماهنگی بین سازمان‌های دولتی با مدارس غیردولتی، سردرگمی مؤسسان و کارشناسان، فردیت‌طلبی به جای همکاری و کاهش بازده سازمانی را می‌توان از نشانه‌های اصلی فقدان روابط مبتنی بر مدیریت علمی بین مؤسسان مدارس غیردولتی با دست‌اندرکاران سازمانی دانست (گل‌پرور، ۱۳۸۳؛ پیامی‌خانقاه، ۱۳۸۳؛ محمدی نائینی، ۱۳۸۶). از منظر نظریه سیستمی، نظام آموزشی به‌عنوان یک سیستم، و مدارس غیردولتی به‌عنوان جزئی از این سیستم، به‌شدت متأثر از سیستم کلان جامعه، به‌ویژه دو سیستم قوی‌تر سیاست و اقتصاد است و لذا می‌توان نقش نهادها، سازمان‌ها و افراد را در قبال مدارس غیردولتی متأثر از عملکرد سیستم کلان جامعه دانست (عظیمی‌آرانی، ۱۳۸۵). سومین چالش ناشی از مسائل مدیریتی است که با عنایت به نظریه مک‌گریگور، نظریه تعارض، و نظریه سیستم‌های مدیریت می‌توان علل توقف مدارس غیردولتی و نقش نهادها، سازمان‌ها و افراد را تبیین نمود و بالاخره چهارمین چالش عمده و مؤثر بر توقف مدارس غیردولتی، چالش‌های آموزشی هستند. این چالش‌ها را می‌توان از منظر نظریه کیفیت آموزشی و نظریه تجهیزات آموزشی مورد بررسی قرار داد. از منظر نظریه کیفیت آموزشی باید گفت والدین دانش‌آموزان مدارس غیردولتی به امر آموزش بسیار بها می‌دهند و به‌ویژه نسبت به نشانگرهای کیفیت داخلی حساس‌اند (فلاحی، ۱۳۸۸). از نظر نظریه تجهیزات آموزشی نیز، ناکامی مدارس متوقف شده را می‌توان در فقدان تجهیزات کافی مدرسه و نقش نهادها، سازمان‌ها و افراد را در این خصوص جستجو کرد.

■ بیان مسئله

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش نهادها، سازمان‌ها و افراد در فرایند متوقف شدن فعالیت مدارس غیردولتی و ارائه یک مدل معنایی برای آن است. مدارس غیر انتفاعی (غیردولتی) که فعالیت رسمی خود را بعد از تقریباً یک دهه توقف، یعنی پس از انحلال مدارس ملی قبل از انقلاب، از سال ۱۳۶۸ با تصویب

مجلس شورای اسلامی آغاز کردند، زمان انجام این پژوهش شامل با بیش از ۱۶ هزار مدرسه‌اند. علی‌رغم این رشد کمی، در سال‌های اخیر دست‌اندرکاران مدارس غیردولتی شاهد بروز تقاضای روزافزون "اخذ مجوز برای توقف مدرسه" از جانب مؤسسان این مدارس بوده‌اند. به‌نحوی که گزارش دفتر پشتیبانی و توسعه مدارس غیردولتی (۱۳۹۰) نشان می‌دهد در طی سال تحصیلی ۹۰-۸۹ در کل کشور -و در همه دوره‌های تحصیلی- ۴۵۷ مدرسه غیردولتی فعالیت خود را متوقف کرده‌اند. شواهد تجربی و بررسی پژوهش‌های پیشین مبین آن است که عوامل متعددی از آغاز بر روند تأسیس، توسعه و توقف مدارس غیردولتی اثرگذار بوده‌اند. در این بین نمی‌توان نقش نهادهای اجتماعی، سازمان‌های دولتی و اشخاص حقیقی/حقوقی را نادیده انگاشت. برای بررسی نظام‌مند این اثرگذاری، دیدگاه‌های سه گروه مؤسسان فعال -که در حال حاضر دارای مدرسه غیردولتی هستند-، مؤسسان غیرفعال -که در حال حاضر مدرسه خود را به‌صورت دائم یا موقت تعطیل کرده‌اند-، و کارشناسان دفاتر مدارس غیردولتی در سازمان آموزش و پرورش مناطق مختلف کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این پژوهش، انتخاب این افراد بر بنیان این تفکر شکل گرفته است که آن‌ها دارای تجربه مستقیم و شخصی از روند تأسیس، فعالیت و توقف مدارس غیردولتی بوده‌اند و لذا بهتر می‌توانند به پرسش پژوهش یعنی "نقش و اثرگذاری نهادهای سازمان‌ها و افراد را بر روند توقف مدارس چگونه ارزیابی می‌کنید"، پاسخ دهند.

■ روش پژوهش

در پژوهش حاضر از روش نظریه زمینه‌ای^۵ که روشی کیفی است، استفاده می‌شود. فرض اصلی در نظریه مذکور این است که "واقعیت اجتماعی" در بین افراد مورد مباحثه قرار می‌گیرد، یعنی از نظر اجتماعی ساخته می‌شود و لذا می‌تواند پیوسته در حال تغییر و ظهور باشد (محمدپور، ۱۳۹۰، ص. ۳۱۷). بر این اساس منظور از بازسازی معنایی، ارائه یک مفهوم بنیانی برای تبیین و توضیح وضع موجود پدیده اجتماعی مورد مطالعه است، به‌نحوی که با بیان آن، درک و احساس واحدی در ذهن و روان همه شنوندگان و افراد آشنا با آن پدیده ایجاد شود. بنابراین در پژوهش حاضر تلاش می‌گردد این مفهوم بنیانی با نام "هسته اصلی" به‌گونه‌ای تدوین شود که مبین احساس واقعی همه مصاحبه‌شوندگان و تجلی یک "احساس معنایی مشترک" در بین آنان نسبت به وضع فعلی مدارس غیردولتی باشد.

■ روش نمونه‌گیری

طبیعی است که برای شناسایی علل توقف مدارس غیردولتی باید به کسانی که در طی سال‌های گذشته به‌نحوی با این مدارس سر و کار داشته و از فراز و فرودهای آن آگاه هستند، مراجعه کرد. بر این اساس سه گروه مؤسسان فعال، مؤسسان غیرفعال و کارشناسان دفاتر مدارس غیردولتی برای شرکت در این پژوهش انتخاب شدند. نمونه آماری به روش طبقه‌ای نسبی به شرح زیر انتخاب شده است: در

مرحله نخست از بین ۳۱ استان کشور، ۱۰ استان به ترتیب فراوانی موارد توقف مدارس انتخاب شدند. در مرحله دوم از بین ۱۰ استان منتخب، ۴ استان اصفهان، خراسان رضوی و شهرستان‌های تهران و لرستان به صورت تصادفی ساده و در مرحله سوم از بین سه گروه مذکور و با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند، تعداد ۳۲ نفر برای شرکت در مصاحبه عمیق (از هر استان ۲ کارشناس دفاتر مدارس غیردولتی، ۳ مؤسس فعال و ۳ مؤسس غیرفعال) انتخاب شدند.

■ جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها

در مطالعات کیفی، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به‌طور همزمان انجام می‌شود تا به پیدایش نظریه مستقر در داده‌ها کمک کنند (آلن، ۲۰۰۳). در این راستا محقق تلاش می‌کند فرایندهای مسلط را در بستر اجتماعی از نگاه سوژه‌ها کشف کرده و پژوهش خود را به توضیح محض داده‌ها و واحدهای مورد بررسی محدود نسازد. داده‌های گردآوری شده در این فرایند از زوایای مختلف با هم مقایسه می‌شوند (محمدپور، ۱۳۹۰). در این حالت تکنیک عمده مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه عمیق است. به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها از تکنیک سوم مصاحبه عمیق پیشنهادی پاتون^۸ (۲۰۰۱) به‌نام مصاحبه باز استاندارد استفاده شد. در این تکنیک، محقق با استفاده از "مفاهیم حساس"^۸ ایده‌های اولیه مرتبط با موضوع مطالعه را انتخاب و با طرح آن‌ها، داده‌های جمع‌آوری شده را کدگذاری می‌کند (محمدپور، ۱۳۹۰). در پژوهش حاضر این کدها در جدول شماره ۱ با واژه "مفاهیم" مشخص شده‌اند. زمانی که مفاهیم به سطح "اشباع"^۹ برسند، مقوله‌ها شکل گرفته و سپس در مرحله نهایی "مقوله هسته" که وضع جاری موضوع یا پدیده مورد بررسی را به‌شیوه‌ای جامع نشان می‌دهد، شکل می‌گیرد. ساختار اصلی تحلیل داده‌ها در نظریه زمینه‌ای بر مبنای سه شیوه کدگذاری باز، محوری و کدگذاری انتخابی است که در مجموع باعث تشکیل مدل "بازسازی معنایی" با عنایت به نظریه‌های مطرح شده در بخش پیشینه پژوهش شده است.

■ تحلیل یافته‌ها

یافته‌های تحقیق حاصل مصاحبه‌های عمیق پژوهشگر با ۳۲ نفر از مؤسسان فعال، غیرفعال و کارشناسان فعلی مدارس غیردولتی است که به‌صورت گروهی و در فضایی کاملاً دوستانه با مشارکت فعال افراد صورت پذیرفته است. زمان جلسات مصاحبه -که محقق محدودیت زمانی برای آن در نظر نگرفته بود- در هر یک از این مراکز بیش از ۴ ساعت بود که مصاحبه‌شوندگان در طی این مدت به طرح دیدگاه‌های خود پرداختند. همان‌گونه که قبلاً ذکر گردید پرسش اصلی پژوهش این است و سه گروه مصاحبه‌شونده نقش و اثرگذاری نهادها، سازمان‌ها و افراد را بر روند توقف مدارس چگونه ارزیابی می‌کنند. تجزیه و تحلیل محتوایی مصاحبه‌ها باعث استخراج ۲۸ مفهوم اولیه در مرحله کدگذاری باز،

بررسی نقش نهادها، سازمان‌ها و افراد در توقف مدارس غیردولتی از نظر مؤسسان و کارشناسان: بازسازی معنایی

۴ مقوله عمده در مرحله کدگذاری محوری و ۱ مقوله محوری هسته در مرحله کدگذاری گزینشی شد (جدول شماره ۱). قبل از بحث در خصوص یافته‌های جدول مذکور لازم است واژه‌هایی همچون مفاهیم، مقوله‌های چهارگانه و مقوله هسته توضیح داده شود. با عنایت به موضوع مقاله، در بدو امر شرکت‌کنندگان در پژوهش به ۲۸ مفهوم اشاره کردند. این مفاهیم "مفاهیم حساسی" هستند که نشان می‌دهند در هر مرحله چه تصویری نسبت به موضوع مورد مطالعه در ذهن مصاحبه‌شوندگان وجود دارد. ۱۵ مفهوم اول نشان می‌دهد که چه نهادها، سازمان‌ها و افرادی در توقف مدارس غیردولتی دارای "نقش حساس" هستند. این ۱۵ مفهوم، باعث شکل‌گیری نخستین مقوله با نام "مقوله اثرگذار" شده است تا دخالت آنان را در فراگرد اداره مدارس غیردولتی به نمایش گذارد. نقش حساس این ۱۵ مقوله، به‌زعم مصاحبه‌شوندگان، باعث ایجاد پدیده یا مقوله‌ای به نام "ورود رقیب" شده است که دربردارنده ۵ مفهوم است. در مرحله بعدی سومین مقوله به نام "راهبردها" شکل می‌گیرد که خود را در سه مفهوم به نمایش می‌گذارد. پیامدهای راهبردهای انتخابی توسط مؤسسان مدارس غیردولتی، مقوله چهارم را ایجاد می‌کند. ترکیب نهایی مقوله‌های چهارگانه باعث انتخاب مقوله محوری "هسته" می‌شود. تشکیل مفاهیم به‌صورت باز توسط مصاحبه‌شوندگان صورت می‌گیرد، اما دو کدگذاری بعدی، یعنی کدگذاری‌های محوری و انتخاب ۱ مقوله محوری هسته، بر عهده پژوهشگر است.

با عنایت به مفاهیم مندرج در جدول شماره ۱، یافته‌های پژوهش به تفکیک و به شرح زیر ارائه می‌گردد:

اثرگذاران: در پژوهش حاضر اثرگذار به مجموعه‌ای از نهادها، سازمان‌ها و افراد اشاره دارد که در یک روند طبیعی باید باعث تسریع فعالیت اقتصادی موصوف شوند. اگرچه بین صاحب‌نظران و اندیشمندان علوم اجتماعی در مورد مفهوم و کاربرد اصطلاحاتی همچون نهاد، سازمان و شخص، توافق کامل وجود ندارد ولی چون بدون مطالعه این مفاهیم، شناخت جامعه و روابط و رویدادهای درونی آن دشوار است، کاربرد آن نیز اجتناب‌ناپذیر است (گیدنز، ۱۳۹۰). لذا تحلیل محتوایی مصاحبه‌ها مبین ذکر نام ۱۵ نهاد، سازمان و شخص بر روند فعالیت یا توقف مدارس غیردولتی از سوی شرکت‌کنندگان است که آنان را با نام "اثرگذار" به شرح زیر تقسیم‌بندی می‌کنیم:

نهاد: دولت، مجلس شورای اسلامی، شورای عالی آموزش و پرورش، شهرداری‌ها
سازمان: وزارت آموزش و پرورش، دفاتر مدارس غیردولتی، سازمان تجهیز و نوسازی مدارس، بانک‌ها، وزارت کار و امور اجتماعی، وزارت بازرگانی

شخص: وزیر آموزش و پرورش، مؤسس، کارشناس، مدیر، معلم
چگونگی اثرگذاری: در بررسی اینکه "چگونه این نهادها، سازمان‌ها و افراد بر روند توقف مدارس غیردولتی تأثیر گذاشته‌اند" باید به آنچه که آن را "چگونگی اثرگذاری" می‌نامیم، توجه کرد. تحلیل محتوایی

جدول ۱ نتایج مراحل سه‌گانه کدگذاری باز، محوری و انتخابی

مقوله هسته	مقوله‌ها	مفاهیم
بی‌ثباتی نسبی	عوامل اثرگذار	<p>هیأت دولت</p> <p>مجلس شورای اسلامی</p> <p>شورای عالی آموزش و پرورش</p> <p>شهرداری‌ها</p> <p>وزارت آموزش و پرورش</p> <p>دفاتر مدارس غیردولتی</p> <p>سازمان تجهیز و نوسازی مدارس</p> <p>بانک‌ها</p> <p>وزارت کار و امور اجتماعی</p> <p>وزارت بازرگانی</p> <p>وزیر آموزش و پرورش</p> <p>کارکنان ادارات آموزش و پرورش</p> <p>مؤسس</p> <p>مدیر</p> <p>معلم</p>
	پدیده: ورود رقبا	<p>مدارس هیئت امنایی</p> <p>مدارس تیزهوشان</p> <p>مدارس نمونه مردمی</p> <p>مدارس شاهد</p> <p>مدارس دولتی</p>
	راهبردها	<p>پذیرش</p> <p>مقاومت</p> <p>تسلیم</p>
	پیامدها	<p>کاهش تعداد دانش‌آموز</p> <p>افزایش ناامیدی برای سرمایه‌گذاری</p> <p>فشار بر والدین برای پرداخت شهریه</p> <p>کاهش کیفیت آموزشی</p> <p>کاهش حق التدریس</p>
۱	تعداد مقولات: ۴	تعداد مفاهیم: ۲۸

مصاحبه‌ها مبین چگونگی اثرگذاری بر روند توقف مدارس غیردولتی به تفکیک عامل و به شرح زیر است:

الف. نهادها شامل

۱. دولت: تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های افراد شرکت‌کننده مبین آن است که معمولاً آنان به صورت کل، مجموعه هیئت دولت را - و به ویژه دولتی که به نام رئیس جمهور حاکم شناخته می‌شود - مدنظر قرار داده‌اند. لذا بسته به دوره زمانی، آنان از دولت آقایان هاشمی رفسنجانی، خاتمی و احمدی‌نژاد یاد می‌کنند که عمده تحول در حوزه خصوصی سازی آموزش همزمان با ریاست جمهوری آنان رخ داده است. این امر در گفتار یکی از مصاحبه‌شوندگان بارز است:

«در اوایل دهه ۷۰ که من مدرسه را تأسیس و راه‌اندازی کرده بودم یک روز در دفتر مدرسه نشسته بودم که دیدم زنگ زدند بیا مینی‌بوس برای مدرسه بگیر ... در دوره خاتمی مشوقی نبود، هل دادنی هم نبود. به نظر می‌رسد این دولت شوقی برای کمک به مدارس غیردولتی ندارد».

همچنین این مفهوم گاهی برای همه دولت‌ها به کار می‌رود:

«از اول تأسیس مدارس هم مشخص نبود تا کجا دولت باید دخالت کند. معلوم نیست ما خصوصی هستیم یا دولتی. اگر خصوصی هستیم چرا هر روز دولت در کار ما دخالت می‌کند. من اگر شهریه را گران‌گفتم چرا دولت نمی‌گذارد مردم خودشان انتخاب کنند و بچه شان را ببرند این همه مدرسه دولتی و غیردولتی».

با این وجود در اکثر موارد به علت زمان انجام مصاحبه‌ها (سال ۱۳۹۰)، منظور اکثر شرکت‌کنندگان از واژه دولت، دولت آقای احمدی‌نژاد است. بر این اساس بسیاری از مؤسسان و کارشناسان معتقدند که دولت، مصوبات مجلس و حتی مصوبات خودش را هم در خصوص مدارس غیردولتی اجرا نمی‌کند - همچون ماده ۱۴ قانون واگذاری مدارس دولتی به افراد یا بخش خصوصی یا قانون صندوق حمایت از مؤسسان که ۴ سال از تصویب آن گذشته است - ولی دولت یک بند آن را هم اجرا نکرده است. علاوه بر این می‌توان از نقش دولت در عدم به رسمیت شناختن حق مالکیت مؤسسان بر مدرسه بعد از گذشت سال‌ها نام برد، موضوعی که میراث دولت‌های گذشته است. در این مورد قانون‌گذار با ابهام با موضوع برخورد کرده و دولت نیز بلا تکلیف است. همچنین به زعم بسیاری از مصاحبه‌شوندگان باید از تصویب قوانین بر له مدارس دولتی و علیه مدارس غیردولتی نام برد. برای نمونه در حالی که دولت برای مدارس دولتی ۵۰ درصد معافیت در قیمت حامل‌های انرژی در نظر گرفته است، مدارس غیردولتی را از این امتیاز محروم کرده است. به عنوان آخرین مورد باید به سیاست کلان دولت در خصوص مدارس غیردولتی نیز عنایت داشت. بر اساس سیاست فعلی و در راستای کوچک‌سازی دولت، دفتر مدارس دولتی

در حوزه ستادی وزارت متبوع نیز از بعد ساختار سازمانی کوچک‌تر شده است، در حالی که بسیاری از مصاحبه‌شوندگان خواستار تأسیس سازمان مجزایی برای مدارس غیردولتی بوده و در نگاه مقایسه‌ای، این پرسش را مطرح می‌کنند که چرا برای کودکان استثنائی، سازمانی مجزا و عریض و طویل وجود دارد در حالی که گستره و ابعاد مدارس غیردولتی خیلی بیشتر از سازمان مذکور است.

۲. مجلس شورای اسلامی: تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد، که به‌ویژه در سال‌های اخیر، عملکرد مجلس شورای اسلامی از نظر مصاحبه‌شوندگان در سطح مطلوب نبوده است. در واقع علی‌رغم اینکه مجلس مصوباتی به نفع روند خصوصی‌سازی آموزش بر بنیان پژوهش اصل ۴۴ قانون اساسی داشته است - به‌عنوان مثال ماده ۱۳ که دولت را موظف به همکاری در واگذاری فضاهای آموزشی به بخش خصوصی می‌کند - ولی چندان پیگیری اجرایی شدن مصوبات خود نبوده و در برابر عدم همکاری دولت به‌صورت انفعالی برخورد کرده است.

۳. شورای عالی آموزش و پرورش: اگرچه بررسی عملکرد نهاد قانون‌گذار و مؤثر شورای عالی آموزش و پرورش بر روند فعالیت مدارس غیردولتی خود محتاج پژوهش جداگانه‌ای است، ولی به‌زعم تعدادی از مصاحبه‌شوندگان، وزیر آموزش و پرورش به‌عنوان قدرت برتر بر عملکرد این شورا تأثیر گذاشته و علایق خود را صورت قانونی می‌بخشد. به‌عنوان نمونه باید از تصمیم وزیر وقت حمیدرضا حاجی بابایی برای تعطیلی ناگهانی روزهای پنج‌شنبه و یک‌شنبه کردن مدارس یاد کرد. به‌زعم بسیاری از مصاحبه‌شوندگان تعطیلی روزهای پنج‌شنبه بدون هیچ‌گونه پیش‌بینی و اتخاذ تمهیدات لازم و تحت تأثیر فشار وزیر صورت پذیرفت که این امر باعث بروز ناراحتی برای بسیاری از معلمان شد که با حق‌التدریس روزهای پنج‌شنبه، بخشی از هزینه‌های زندگی خود را تأمین می‌کردند. موضوع دیگر به تصمیم اخیر وزارت آموزش و پرورش - متأثر از سند تحول راهبردی - برمی‌گردد، بدین صورت که بدون زمینه‌سازی‌های لازم ناگهان ساختار نظام آموزشی را تغییر داده و یک سال از دوره راهنمایی کاسته و به دوره ابتدایی افزوده است، بدون اینکه شورای عالی آموزش و پرورش بر این امر نظارتی داشته باشد. در این خصوص یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

« این تغییر بیشترین ضربه را تا سه سال آینده به من که مدرسه راهنمایی دارم می‌زند چرا که بخشی از دانش‌آموزانم را از دست می‌دهم. از سوی دیگر چون تمهید درستی صورت نگرفته هر روز وزارت آموزش و پرورش بخشنامه‌ای صادر می‌کند تا کاستی‌های طرح را رفع کند. الان بخشنامه کرده‌اند که معلمان راهنمایی داوطلبانه از این دوره به دور ابتدایی بروند ولی هیچکس متقاضی انتقال به دور ابتدایی نیست.»

بررسی نقش نهادهای سازمان‌ها و افراد در توقف مدارس غیردولتی از نظر مؤسسان و کارشناسان: بازسازی معنایی

۴. **شهرداری‌ها:** عملکرد شهرداری‌ها نیز مورد توجه مصاحبه‌شوندگان قرار گرفته است. به عنوان مثال شهرداری‌ها، مدارس غیردولتی را مراکزی تجاری محسوب می‌کنند و فرقی بین "بوتیک با مدرسه" قائل نیستند. همچنین در تعیین کاربری زمین برای فضاهای آموزشی کمک چندانی نکرده و جدیت لازم را برای واگذاری زمین برای تأسیس مدرسه یا پیگیری اجرای مصوبات خود ندارند. به عنوان مثال در این رابطه می‌توان از عملکرد نهاد "آستان قدس رضوی" یاد کرد. این امر در صحبت یکی از مصاحبه‌شوندگان نمود می‌یابد:

«در مشهد، آستان قدس برای خودش یک دولت است. شهرداری هر جا را کاربری آموزشی اعلام کرده، آستان قدس دیواری دور آن کشیده و اجازه نمی‌دهد که مدرسه شود.»

البته باید اشاره کرد که واگذاری زمین با کاربری آموزشی به اشخاص خود دارای ابعاد چندگانه‌ای است. اول اینکه دولت موظف به واگذاری زمین با کاربری آموزشی به افراد متقاضی است، ولی در بعضی از مناطق کشور، مصاحبه‌شوندگان اقدام جدی از طرف نهادهای ذیربط مشاهده نکرده‌اند. دوم اینکه در بعضی از مناطق، دولت زمین را به افراد واگذار کرده است، ولی متصرف نتوانسته است مدرسه را بسازد. به عنوان مثال، یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

«در مرکز استان ۱۱ نفر بیش از ۱۰ سال است که زمین گرفته‌اند ولی مدرسه در آن نساخته‌اند، دولت هم زمین را پس نگرفته است در حالی که طبق قانون باید ظرف ۲ سال تکلیف زمین را مشخص کند.»

سوم بعضی از مؤسسان طبق قانون تعهد خود را در خصوص استفاده آموزشی از مدرسه انجام داده‌اند و می‌توانند سند مالکیت خود را دریافت کنند، ولی دولت اقدامی در واگذاری سند انجام نمی‌دهد که این امر باعث کاهش انگیزه در سرمایه‌گذاران جدید می‌شود.

ب. سازمان‌ها شامل:

۱. **وزارت آموزش و پرورش:** در بسیاری از موارد مصاحبه‌شوندگان حجم گسترده‌ای از سخنان خود را معطوف به عملکرد و سیاست‌های این وزارت‌خانه کرده‌اند. از مؤثرترین موضوعاتی که مؤید نقش وزارت آموزش و پرورش به‌ویژه در سطح ستادی است، می‌توان به موضوعاتی همچون تنوع بخشنامه‌ها و سردرگمی هر ساله ادارات کل آموزش و پرورش و واحدهای تابعه، دخالت در تعیین شهریه بدون مدنظر قرار دادن واقعیات محیطی و اقتصادی، دادن مجوز بی‌رویه برای تأسیس مدارس جدید، عدم رعایت فاصله بین مدارس و کاهش این فاصله، و ارزیابی پراکنده و سلیقه‌ای از عملکرد مدارس اشاره کرد. هر یک از این موارد به‌صورت مفصل در جملات مصاحبه‌کنندگان

قابل پیگیری است. به‌عنوان نمونه وزارت آموزش و پرورش رعایت فاصله ۱ کیلومتری - بین دو مدرسه غیردولتی - را به ۲۵۰ متر برای جنس موافق و ۵۰۰ متر برای جنس مخالف کاهش داده است. این موضوع در کلام یکی از مصاحبه‌شوندگان مشهود است:

«عالم و آدم می‌دانند تعداد بچه مدرسه‌ای‌ها کم شده است، ولی آموزش و پرورش هر روز مجوز تأسیس مدرسه جدید بغل گوش مدرسه ما می‌دهد. من از کجا باید دانش‌آموز پیدا کنم تا بتوانم هزینه‌های مختلف را بپردازم».

یکی دیگر از موضوعات بسیار چالش‌برانگیز بین وزارت آموزش و پرورش با مؤسسان مدارس غیردولتی، موضوع تعیین نرخ شهریه است. در واقع این موضوع خود ابعاد متعددی دارد که مستلزم انجام پژوهشی جداگانه است. این گونه به نظر می‌رسد که دولت در خصوص تعیین میزان شهریه نگرانی دارد و لذا خود را موظف به دخالت در آن می‌داند. این نگرانی در اساس بدون توجه دولت به اصول حاکم بر فضای کسب و کار در بخش خصوصی، رقابت‌های اقتصادی و حق مشتری در انتخاب کالای بهتر است (معدن‌دار آرانی و سرکار آرانی، ۱۳۸۸). در نتیجه دولت به صورت غیر واقعی شهریه‌های یکسانی را برای کلیه مدارس غیردولتی در سطح استان تعیین می‌کند. یکی از مصاحبه‌شوندگان با بیش از ۴۴ سال سابقه آموزشی و کار فرهنگی می‌گوید:

«وزارت آموزش و پرورش بین دوغ و دوشاب تفاوتی قائل نیست و برای همه مدارس نرخ یکسان تعیین کرده است. من با فضای آموزشی بسیار خوب که با وام ساخته ام باید با کسی که خانه‌ای را اجاره کرده شهریه یکسان بگیرم».

در واقع وزارت آموزش و پرورش برای تعیین شهریه، یک لوح فشرده در دفتر مرکزی مدارس غیردولتی تهیه کرده است که مبنای آن شهریه سال قبل همراه با افزایش سالیانه حداکثر ۲۰ درصد است. برای افزایش شهریه در سال جدید یکی از عوامل مؤثر، افزایش درجه بندی مدرسه نسبت به سال قبل است که تا حد ۵ درصد شهریه را پوشش می‌دهد. جالب اینکه در بعضی استان‌ها، ادارات آموزش و پرورش که باید مجری تعیین درجه بندی مدارس باشند این وظیفه را انجام نداده و مدارس مجبور شده‌اند حداکثر افزایش شهریه را تا حد ۱۵ درصد داشته باشند. لذا در عمل بسیاری از مدارس علی‌رغم تورم سالانه نمی‌توانند بیش از ۱۰ درصد شهریه خود را افزایش دهند. علاوه بر این، در لوح فشرده مذکور، هزینه‌های مدارس شامل آب، برق و برای مدارس احداثی شامل اقساط بانکی و استهلاک ساختمان نمی‌شود. همچنین در خصوص تعیین نرخ شهریه می‌توان مصاحبه‌شوندگان را به دو گروه اکثریت و اقلیت تقسیم نمود. اکثریت آنان اعتقاد دارند که بسیاری از خانواده‌ها توان اقتصادی لازم برای پرداخت شهریه مصوب را ندارند و با زحمت بسیار، تأخیر فراوان و مکاتبات و تماس‌های

متعدد، مؤسس می‌تواند شهریه را جمع‌آوری کند. از سوی دیگر بعضی از مصاحبه‌شوندگان معتقدند که با توجه به وام‌های کلانی که آنان برای ساخت مدرسه دریافت کرده‌اند و فشار بانک برای دریافت اقساط و همچنین علی‌رغم اینکه بعضی از والدین به خاطر اشتهاار خوب مدرسه حاضر هستند مبلغ شهریه بیشتری بپردازند، آنان قادر به دریافت شهریه بالاتر از حد مصوب نیستند:

«آموزش و پرورش دست و پای ما را بسته و ما را انداخته تو آب و می‌گوید حالا شنا کن. از یک طرف من باید اقساط سنگین بپردازم و از طرف دیگر شهریه را نمی‌توانم زیاد کنم».

البته بین مصاحبه‌شوندگان این توافق جمعی وجود دارد که شهریه فعلی آنان تناسبی با سطح تورم اقتصادی موجود نداشته و آنان قادر به پرداخت هزینه‌ها در صورت تداوم این وضعیت نخواهند بود:

«طبق قانون باید برای تعیین شهریه با مؤسسان مشورت شود، ولی آموزش و پرورش به این موضوع اصلاً عنایتی ندارد».

همچنین،

«وزارت متبوع از یک سونرخ حق‌التدریس دبیران را افزایش داده است و از سوی دیگر به علت مازاد نیروی انسانی، خود حق‌التدریس نمی‌پردازد. یعنی وزارت خانه شهریه را پایین و حق‌التدریس را بالا برآورد می‌کند. در این وضعیت من مؤسس مستاصل می‌شوم».

۲. دفاتر مدارس غیردولتی: گروه مصاحبه‌شونده به اتفاق از همکاری صمیمانه دفاتر مدارس غیردولتی و کارشناسان آن یاد می‌کردند. با این وجود اکثریت آنان معتقدند که بخشنامه‌های متعدد و پی‌درپی که توسط واحدهای مختلف سازمان آموزش و پرورش صادر می‌شود دائماً مؤسس را مجبور به انجام وظایف و تکالیف جدیدی می‌سازد و بر این اساس، رویه واحدی در کشور مشاهده نمی‌شود. این امر باعث شده است که بعضاً نگاه کارشناسان آموزش و پرورش به مدارس غیردولتی به امری شخصی و متکی بر تفسیر کارشناس از قانون و بخشنامه مبدل شود. لذا عمده‌ترین ایرادی را که اکثریت مصاحبه‌شوندگان به دفاتر مدارس غیردولتی داشتند می‌توان مربوط به "صدور مجوزهای بی‌رویه، بدون کارشناسی دقیق و بی‌توجه به واقعیات محیطی" دانست. به‌زعم بسیاری از مصاحبه‌شوندگان صدور مجوز بی‌رویه تأسیس مدارس غیردولتی همچون شمشیری دو دم عمل می‌کند. از یک سو، این شمشیر بر مدارس موجود از طریق کاهش تعداد دانش‌آموز صدمه می‌زند و از سوی دیگر مدرسه جدید به علت عدم توانایی لازمه برای رقابت با مدارس قدیمی‌تر، به‌ورطه شکست افتاده و مؤسس ناآشنا را گرفتار صدمات فراوان اقتصادی/اجتماعی می‌کند. البته در مقام دفاع، کارشناسان معتقدند که قانون، اجازه تأسیس مدرسه را به کسانی که شرایط لازمه را

دارند می‌دهد، چرا که دولت از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی استقبال می‌کند. بر عکس، مؤسسان بر مدنظر قرار دادن شرایط واقعی برای صدور مجوز اصرار می‌ورزند.

۳. سازمان تجهیز و نوسازی مدارس: گروه دیگری که در حوزه سازمانی باید از آن یاد کرد سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس است که عملکرد کارشناسان آن اعتراض بسیاری از مصاحبه‌شوندگان را به دنبال داشته است. از آنجایی که کلاس‌های اکثریت مدارس غیردولتی در مکان‌های استیجاری، به ویژه منازل مسکونی، تشکیل می‌شود، سازمان نوسازی براساس دستورالعمل‌های قانونی خویش در پی آن است که مدارس، حداقل شرایط استاندارد را رعایت کنند در صورتی که مؤسسان طالب نگاه‌های "مبتنی بر واقعیت" توسط کارشناسان این سازمان هستند. به عنوان مثال، یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

«مدرسه من را ۵ سال قبل، سازمان نوسازی ۱۵۰ نفر دانش‌آموز مجوز داده بود اما امسال آن را به ۵۰ دانش‌آموز تقلیل داده است. این سازمان دائم بر اجرای قانون ضد زلزله تأکید می‌کند در صورتی که بسیاری از مدارس دولتی آن را اجرا نکرده‌اند. پس چرا بر آن‌ها فشاری نمی‌آورند.»

۴. وزارت کار و امور اجتماعی، وزارت بازرگانی و بانک‌ها: این سازمان‌ها را باید آخرین گروهی دانست که عملکرد آنان بر توقف مدارس غیردولتی مؤثر بوده است. از یک سو وزارت کار در خصوص پرداخت حق بیمه نیروهای آزاد، مؤسس را تحت فشار قرار داده و به ویژه در صورت بروز اختلاف فی‌مابین مؤسس با نیروی آزاد، عموماً از نیروهای آزاد پشتیبانی می‌کند. همچنین وزارت بازرگانی با نگاهی تجاری - همچون شهرداری‌ها - به مدارس توجه و هرگونه پرداخت اضافی شهریه را به منزله نوعی گران‌فروشی تلقی کرده و مؤسسان را که افرادی فرهنگی هستند به دادگاه و تشکیل پرونده فرا می‌خواند. این همه در حالی است که بانک‌ها نیز هیچ‌گونه مساعدت جدی در خصوص پرداخت وام با بهره کم به مؤسسان نداشته و اقساط خود را توأم با جریمه دیرکرد دریافت می‌کنند، به نحوی که یکی از مؤسسان می‌گوید:

«من نمی‌توانم مدرسه ام را مجهز به وسائلی کنم که بهره بانکی وام آن زیاد است. بنابراین برای خرید تجهیزات یک نفر هم در لرستان طالب دریافت وام نیست.»

ج. اشخاص شامل

۱. وزیر آموزش و پرورش: طبیعی است که در نظام‌های سیاسی مبتنی بر آرای مردم، انتخاب رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس می‌تواند تا حدودی مبین گرایش غالب اجتماعی باشد. در این راستا سیاست‌های احزاب حمایت‌کننده از رئیس‌جمهور یا خط‌مش و سیاست‌های انتخابی وی بر

بررسی نقش نهادهای سازمان‌ها و افراد در توقف مدارس غیردولتی از نظر مؤسسان و کارشناسان: بازسازی معنایی

کلیه شئون مملکتی اثرگذار است. به همین دلیل، انتخاب هر وزیر مؤید کاربست ایده‌هایی است که رئیس دولت نیز از آن حمایت می‌کند. لذا می‌توان تغییر وزرای آموزش و پرورش را در چند ساله اخیر مبین تغییر در رویه‌ها و سیاست‌های آموزشی ریاست جمهور وقت دانست. از سوی دیگر در ایران، شواهد علمی برای اثبات این ادعا وجود ندارد و در نتیجه سیاست‌های هر وزیر را می‌توان تا حد زیادی متأثر از گرایش و سلیقه شخصی یا تشخیص ضرورت‌هایی دانست که اقدام عاجل وی را ضروری ساخته است. به همین دلیل در خصوص نگرش وزرای سابق آموزش و پرورش نسبت به مدارس غیردولتی شواهد مکتوب چندانی وجود ندارد. با این وجود می‌توان عملکرد هر وزیر را در این خصوص به تفکیک مورد بررسی قرار داد. برای مثال آنچه که در خلال مصاحبه‌ها مشهود است آنکه به نظر می‌رسد وزرای مختلف در دولت آقای احمدی‌نژاد، از رویه واحدی در قبال مدارس غیردولتی تبعیت نکرده و خط‌مشی‌های آنان دچار اوج و حضیض‌هایی بوده است. به‌زعم مصاحبه‌شوندگان، وضع مدارس غیردولتی در دوره وزارت آقای فرشیدی نسبتاً آرام، در دوره آقای علی احمدی با پیدایش احساس صدور دستور تعطیل ناگهانی کلیه مدارس غیردولتی بسیار مشوش، و در دوره آقای حاج‌بابایی به علت احساس مخالفت تدریجی توأم با پشتیبانی وزیر از اقداماتی همچون تأسیس مدارس هیئت امنایی و تیزهوشان، توأم با بلاتکلیفی است. در این مورد به علت تقارن زمانی پژوهش با دوره وزارت حمیدرضا حاج‌بابایی به ارائه دل‌نگرانی‌های مشخص تری می‌پردازیم که به‌زعم بعضی از مصاحبه‌شوندگان عاملی برای فشار بیشتر بر مدارس غیردولتی است. اولین موردی که بالاتفاق در همه مصاحبه‌ها مشهود است مخالفت با اتخاذ سیاست گسترش مدارس تیزهوشان در جوار مدارس غیردولتی است. این امر در سخن یکی از مصاحبه‌شوندگان بدین گونه تجلی می‌یابد:

«آقای وزیر در جوار هر مدرسه غیردولتی، بهترین مدارس دولتی را گرفته و مدرسه تیزهوشان تأسیس کرده است به نحوی که امسال ۲۰ نفر از دانش‌آموزان خوب مدرسه بنده جذب این مدرسه شده‌اند در حالی که من سال‌ها برای [آموزش] آن‌ها زحمت کشیده‌ام. با این وضع من باید مدرسه‌ام را ببندم.»

همچنین باید از تأسیس مدارس هیئت امنایی یاد کرد که به‌نظر بسیاری از مصاحبه‌شوندگان روند گسترش آن در دوره وزارت آقای حاج‌بابایی شتاب بیشتری به خود گرفته است. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

«اگر قرار است همه مدارس دولتی را بدون هیچ تغییری در برنامه، معلم و کیفیت آموزشی، هیئت امنایی کنیم و از مردم پول بگیریم، من چرا باید هزار جور فعالیت فوق برنامه بگذارم تا دانش‌آموز جذب کنم.»

یا

« دولت دکانی در برابر دکان ما زده و می‌خواهد فرمالیته امور را خصوصی‌سازی کند. این رقابتی ناعادلانه است که توسط وزیر تشویق می‌شود».

البته بعضی از مصاحبه‌شوندگان که عمدتاً کارشناسان دفاتر مدارس غیردولتی هستند موضع دوگانه‌ای در این خصوص دارند. به‌زعم تعدادی از آن‌ها، دولت می‌توانست با گسترش کمک به مدارس غیردولتی، هزینه‌های کمتری را متقبل شود و سیاست توسعه مدارس تیزهوشان و هیئت امنایی را بر خلاف اصل ۴۴ می‌دانند. بر عکس عده‌ای از آنان معتقدند که مدارس هیئت امنایی و تیزهوشان با محدودیت‌های بیشتری روبه‌رو بوده و توانایی رقابت با مدارس غیردولتی را ندارند. ضمن اینکه مدارس غیردولتی خوب باید از رقابت هم استقبال کنند.

۲. مؤسسان: نقش مؤسسان را در روند توقف مدارس غیردولتی می‌توان از دو بعد اقتصادی و مدیریتی مورد بررسی قرار داد. تجزیه و تحلیل مصاحبه نشان داد که ضعف مالی مؤسس و تلاش برای تأسیس مدرسه از طریق بهره‌گیری از وام، فقدان تجربه انجام فعالیت‌های اقتصادی و مشورت اندک مؤسس با افراد خبره، تأسیس مدرسه در منطقه نامناسب از جهت جذب دانش‌آموز، ناتوانی مؤسس در جذب مدیر و دبیران خوش‌نام و دریافت شهریه کمتر از شهریه مصوب مهم‌ترین عواملی هستند که باعث توقف مدارس می‌شوند. به‌عنوان مثال می‌توان به توانمندی مؤسس در تشخیص منطقه جغرافیایی مناسب برای تأسیس مدرسه اشاره کرد. تجربه مصاحبه‌شوندگان مؤید آن است که اکثر مدارس متوقف شده دارای دو ویژگی عمده‌اند. اول تأسیس در منطقه‌ای که اکثریت والدین از قشر ضعیف و کم درآمدند و لذا قادر به پرداخت شهریه نمی‌باشند و دوم فقدان توانایی مالی مؤسس. در این راستا یکی از مؤسسان غیرفعال می‌گوید:

« بعد از ۳۰ سال معلمی نمی‌توانستم از بچه‌ها جدا شوم. در منطقه ضعیفی با توصیه کارشناس اداره، مدرسه را راه‌اندازی کردم. سال اول شهریه را قسط‌بندی کردم، سال دوم والدین شهریه را نپرداختند، کرایه هم اضافه شد. همکاران باید بیمه می‌شدند و بدشانسی در نزدیکی مدرسه من مدرسه دولتی مخروبه‌ای بود که سال بعد آن را خراب و ساختمان نویی ساختند. با ۲۷ میلیون تومان ضرر، مدرسه را تعطیل کردم».

همچنین باید از فقدان تجربه در فعالیت‌های اقتصادی و مشورت اندک مؤسس با افراد خبره یاد کرد، چنانچه نظر دو تن از کارشناسان مبین این موضوع است:

« اگر مدارس چالشی دارند به‌خاطر این است که افرادی آمده‌اند که توقع دارند بدون کار خوب، یک شبه ره صد ساله بروند.... مردم دنبال کار خوب و قشنگ می‌روند».

یا

«مؤسسی که ۱۰ سال پیش مدرسه زده است امروز دیگر نمی‌تواند با همان اندیشه پیش برود... مؤسسی که نشسته و حاضر نیست رقبایش را بشناسد معلوم است شکست می‌خورد... مؤسس خلاقیت ندارد».

بر این اساس، بسیاری از کارشناسان دفاتر مدارس غیردولتی معتقدند که:

«اکثر مدارس متوقف شده متعلق به مؤسسانی است که توان اقتصادی آن‌ها ضعیف است و در ساختمان‌های مسکونی استیجاری، مدرسه را تأسیس کرده‌اند. آن‌ها دیر یا زود باید از گردونه خارج می‌شوند».

۳. کارکنان: آشکار است که بررسی نقش کارکنان دواير مختلف سازمان آموزش و پرورش نیازمند انجام پژوهشی جداگانه است تا ابعاد و زوایای آن بیشتر روشن و مشخص گردد. با این وجود در خلال صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان به دفعات به نقش منفی آنان اشاره شده است. اولین موردی را که در این خصوص می‌توان ذکر کرد تعارض دیدگاه بعضی از مؤسسان با کارشناسان در خصوص مجوز تأسیس مدارس است. بعضی از مؤسسان با تأسیس شعبه جدید مدارس غیردولتی مخالف و آن را ناشی از رانت‌های اداری می‌دانند. یکی از مؤسسان می‌گوید:

«رابطه بازی باعث شده که یک مؤسس چند تا شعبه زده و ۲۰ مدرسه دیگر را به‌خطر اندازد».

در برابر، نگاه کارشناس متفاوت است:

«طبق قانون هر کس که شرائط را دارا بود ما مجوز می‌دهیم... کسی که خوب و با شتاب پیش می‌رود و درخواست شعبه دیگر می‌کند نمی‌توانیم جلو او را بگیریم. باید او را تشویق کنیم و نباید از رقابت ترسید».

عامل دوم عدم همکاری بعضی از کارکنان دواير مختلف با مدارس غیردولتی و کاربست نظرات شخصی در امور این مدارس است.

۴. مدیر و معلم: نقش و جایگاه رهبری آموزشی و معلمان خوب در ارتقای کیفیت نظام آموزشی بر هیچ کس پوشیده نیست. لذا بسیاری از مصاحبه‌شوندگان اگرچه نقش بارزی برای این دو عامل در روند توقف مدارس قائل نبودند، ولی وجود مدیر قوی و خوش‌نام و معلمان توانمند و موفق را شرط لازم کسب موفقیت و تداوم فعالیت این مدارس تلقی می‌کردند:

«الان ۳ معلم من باعث جذب ۴۰ درصد دانش‌آموزان به مدرسه شده‌اند. آن‌ها تجربه و اشتها خوبی دارند و البته من هم حق‌التدریس خوبی می‌پردازم».

از سوی دیگر در تبیین عدم موفقیت بعضی از مدارس در جذب دبیر خوب، یکی از مؤسسان غیرفعال معتقد است:

«دبیر خوب حق‌التدریس خوبی هم باید دریافت کند در حالی که من توان پرداخت آن را با این شهریه‌ها ندارم. از سوی دیگر مدارس بزرگ که دانش‌آموز بیشتری دارند، می‌توانند شهریه بهتری نیز بپردازند».

البته بعضی از مصاحبه‌کنندگان معتقد بودند در سال‌های اخیر وزارت آموزش و پرورش با افزایش میزان حق‌التدریس، مؤسسان را دچار مشکل کرده است.

«از یک سو آموزش و پرورش حق‌التدریس دبیران را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر خودش به هیچ معلمی کلاس بیش از حد موظف نمی‌دهد تا مجبور به پرداخت حق‌التدریس شود. لذا این وسط، فقط ما ضرر می‌کنیم».

یکی از مسائل دیگری که باعث تسریع روند توقف مدارس غیردولتی می‌شود ددرسه‌های فراوان مؤسسان در جذب نیروهای آزاد است، چرا که روندی طولانی برای اخذ‌گزینش و تأیید صلاحیت عمومی این نیروها وجود دارد. جالب اینکه براساس بخش‌نامه وزارتی، حتی فرهنگیان بازنشسته که ۳۰ سال از عمر خود را در نظام آموزش و پرورش گذرانده‌اند، باید برای تدریس در مدارس از جنبه صلاحیت عمومی تأیید شوند. علاوه بر این آموزش نیروهای آزاد برای تدریس به موضوعی ددرس‌ساز برای مؤسسان مبدل شده است، چرا که نظام یکپارچه و مدونی در این خصوص وجود ندارد. همچنین در خصوص استخدام نیروهای آزاد، دولت تکلیف را مشخص نکرده است. این موضوع در سخن یکی از مصاحبه‌شوندگان مشهود است:

«من یک نیروی آزاد خانم دارم که با درجه فوق لیسانس ۷ سال است در مدرسه من کار می‌کند و بسیار هم معلم موفقی است. وزارت آموزش و پرورش نیروهای نهضت سوادآموزی را با ۵ سال سابقه استخدام می‌کند، این تبعیض است. یک امتیاز به دیگران بدهید یک امتیاز هم به ما».

پدیده: اطلاعات حاصله از تحلیل مصاحبه‌ها بیانگر ضرورت پاسخ دادن به این پرسش است که "چه مدارسی جایگزین مدارس غیردولتی می‌شوند؟". یافته‌ها حاکی از بروز پدیده "تأسیس مدارس رقیب" و تأثیر آن بر توقف مدارس غیردولتی از نظر مصاحبه‌شوندگان است. به‌زعم مصاحبه‌شوندگان تأسیس انواع مدرسی همچون نمونه مردمی، شاهد، و تیزهوشان باعث شد که بخشی از مشتریان بالقوه مدارس

بررسی نقش نهادهای سازمان‌ها و افراد در توقف مدارس غیردولتی از نظر مؤسسان و کارکنان: بازسازی معنایی

غیردولتی، جذب این مراکز آموزشی شوند. اما موضوعی که بیش از هر امر دیگر خاطر مؤسسان مدارس غیردولتی را آزرده است، تبدیل مدارس دولتی به مدارس هیئت امنایی در سال‌های اخیر توسط دولت است. به همین دلیل اکثر مصاحبه‌شوندگان آن را "خصوصی‌سازی غیرواقعی و رقابت نابرابر دولت با بخش خصوصی" پنداشته و به شدت با تأسیس این مدارس مخالف هستند.

راهبردها: راهبرد را می‌توان به‌مثابه تلاشی برنامه‌ریزی شده، همه‌جانبه و هدفمند برای ساخت آینده بر بنیاد منافع خاص تعریف کرد (بریسون^۱، ۱۹۹۸). باید اذعان کرد که تدوین راهبردها به‌عنوان یک مؤلفه مبتنی بر درک تفسیر مصاحبه‌شوندگان از پیش‌بینی وضع آینده مدارس غیردولتی و راه‌کار پیشنهادی آنان برای حل و فصل مشکلات است. بر این اساس در پاسخ به این پرسش که "راهبرد مؤسسان مدارس غیردولتی در مقابله با مشکلات چیست؟" می‌توان به سه راهبرد "پذیرش وضع موجود و رضایت به کسب حداقل سود"، راهبرد "مقاومت" از طریق برگزاری برنامه‌های مکمل همچون آموزش زبان و کامپیوتر، اردوهای تفریحی، اجاره سالن ورزشی و تبلیغات برای جذب بیشتر دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان و راهبرد "تسلیم" یعنی قبول ضرر و زیان و توقف فعالیت مدرسه اشاره کرد.

پیامدها: در پاسخ به این پرسش که "پیامدهای توقف مدارس غیردولتی چه بوده است؟" تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که می‌توان به تصمیمات کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدتی اشاره کرد که دست‌اندرکاران مدارس غیردولتی برای مقابله با نقش مداخله‌گرایانه نهادهای سازمان‌ها و افراد اتخاذ می‌کنند. بعضی از رایج‌ترین پیامدها عبارتند از:

۱. افزایش تعداد دانش‌آموز از طریق نمره‌دهی غیرواقعی؛
۲. افزایش برنامه‌های مکمل و فوق برنامه برای کسب منابع مالی جدید؛
۳. فشار بر والدین برای پرداخت شهریه بیشتر؛
۴. کاهش کیفیت آموزشی از طریق کاهش خرید تجهیزات و اقلام مورد نیاز؛
۵. کاهش حق‌التدریس معلمان؛
۶. بستن مدرسه به‌طور موقت؛
۷. تداوم فعالیت با ضرردهی و اصطلاحاً از کیسه خوردن؛
۸. توقف کامل.

مفهوم اصلی یا هسته: اثرات حاصل از روابط متقابل مؤلفه‌های مندرج در جدول شماره ۱ باعث شده است که در یک بازسازی معنایی از روند توقف مدارس غیردولتی، دریابیم که ادراک و تفسیر دست‌اندرکاران این مدارس منتج به خلق یک مفهوم اصلی یا "هسته" به‌نام "بی‌ثباتی نسبی" شده است. بی‌ثباتی نسبی، مبین حالات احساسی و ذهنی حاکم بر مصاحبه‌شوندگان از بعد تحلیل و ترسیم نقش نهادهای سازمان‌ها و افراد در روند توقف مدارس غیردولتی است (پرسش اصلی پژوهش). این مفهوم،

بیانگر آن است که اکثریت این افراد باور چندانی به چشم‌اندازی مطمئن و روشن برای سرمایه‌گذاری در بخش آموزش ندادند و وضع خود را دچار نوعی "بی‌ثباتی نسبی" از بعد تداوم فعالیت در این حوزه، ارزیابی می‌کنند.

■ بحث و نتیجه‌گیری ■

مفاهیم و مقولات به‌دست آمده مندرج در جدول شماره ۱، فعالیت‌های کنش‌گران این عرصه یعنی، دست‌اندرکاران مدارس غیردولتی، را در بافت و بستری ترسیم می‌کند که در آن به تلفیق اندیشه و کنش یعنی بازاندیشی در مورد رفتار خود، شیوه فعالیت اقتصادی و تداوم یا توقف مدارس غیردولتی می‌پردازند. مدل بازسازی معنایی دربردارنده ۴ بخش عوامل اثرگذار، پدیده ورود رقا، راهبردها و پیامدها است (نمودار شماره ۱). در این راستا پژوهش حاضر از یافته‌های پژوهش‌های خارجی همچون دسای^{۱۱}، دویی^{۱۲}، ونمن^{۱۳} و بن جری^{۱۴} (۲۰۰۸)، هرما^{۱۵} (۲۰۰۹) و بونار^{۱۶} (۲۰۱۲) و در ایران از پژوهش‌های عظیمی (۱۳۸۵)، جوادی (۱۳۸۵)، مصری (۱۳۸۷)، و اورنگ (۱۳۹۰) و نظریه‌های حاکم بر اقتصاد کلان پشتیبانی می‌کند که نشان می‌دهند شناخت سیاست‌های اصلی دولت‌ها و همچنین چرخش‌های موجود در آن‌ها می‌تواند کلید شناخت فراز و فرودهایی باشد که بعضاً باعث رونق یا رکود فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی می‌گردند. به‌همین علت مصاحبه‌شوندگان دائماً بر نقش اثرگذار نهادها و سازمان‌های دولتی در توقف مدارس غیردولتی تأکید می‌ورزند. این اثرگذاری به‌وضوح در بروز پدیده "مدارس رقیب" قابل مشاهده است. پژوهش حاضر نشان داد که مدارس رقیب - و به‌ویژه در سال‌های اخیر تأسیس مدارس هیئت امنایی - عرصه را بر مؤسسان تنگ ساخته‌اند. البته کاربست واژه "مدارس رقیب" بدین معنا نیست که لزوماً این مدارس وضعیت بهتری نسبت به مدارس غیردولتی دارند، بلکه نشان‌دهنده این موضوع است که عملکرد این نهادها، سازمان‌ها و افراد - با این طیف گسترده - که خودشان نیز متأثر از عوامل اقتصادی، سازمانی، مدیریتی و اجتماعی گوناگون هستند، از نظر سوره‌های پژوهش (مصاحبه‌شوندگان) باعث کاهش تعداد متقاضیان ثبت‌نام در مدارس غیردولتی شده است. یافته‌های پژوهش حاضر از منظر نظریه‌های اقتصاد خرد یعنی نظریه عرضه و تقاضا و نظریه رفتار مصرف‌کننده نیز قابل تبیین است، بدین نحو که مصاحبه‌شوندگان از یک سو از عرضه بیش از حد مدارس غیردولتی (صدور مجوز بی‌رویه) و از سوی دیگر از کاهش نرخ تقاضا (کاهش تعداد دانش‌آموز و اوضاع بد اقتصادی خانواده‌ها برای پرداخت شهریه) گلایه می‌کنند. همچنین از یافته‌های پژوهش می‌توان این‌گونه استنباط

کرد که از بین عوامل اثرگذار، در بین نهادهای دولت و از مجموع سازمان‌ها، وزارت آموزش و پرورش و از بین افراد، وزیر آموزش و پرورش به‌نظر مصاحبه‌شوندگان بیشترین نقش مداخله‌ای را در ایجاد وضع موجود مدارس غیردولتی بر عهده دارند. در سه بعد سازمانی، مدیریتی و آموزشی نیز یافته‌های پژوهش از طریق نظریه‌های مرتبط قابل درک است. برای مثال از بعد سازمانی، مصاحبه‌گران به‌عدم هماهنگی بین نهادهای سازمان‌های مختلف اشاره می‌کنند (حرکت‌های متعارض دولت، مجلس، وزارت متبوع، و سایر وزارت‌خانه‌های مرتبط در نحوه برخورد با مدارس غیردولتی). از بعد مدیریتی هر سه گروه مصاحبه‌شوندگان با عنایت به نظریه‌هایی همچون نظریه تعارض اذعان دارند که مواردی همچون تفاوت در هدف، تفاوت‌های ادراکی، ابهام در رابطه با حیطه مدیریت، سبک مدیریت، ضعف در ارتباطات، تفاوت در منافع و تفاوت‌های شخصیتی را می‌توان از علل مشترک مدیریتی دانست که باعث شکست مؤسسه مدارس غیردولتی می‌شود (امیر کبیری، ۱۳۷۷). از بعد چالش‌های آموزشی یافته‌های پژوهش پشتیبان هر دو نظریه تجهیزات آموزشی و کیفیت آموزشی است، چرا که از یک سو بسیاری از مدارس متوقف شده از بعد تجهیزات آموزشی دچار تنگنا بوده‌اند و از بعد کیفیت آموزشی نیز توانمندی رقابت با مدارس بهتر را نداشته‌اند. در نتیجه از بعد مدیریتی و آموزشی، شکست اقتصادی مؤسسه مدارس غیردولتی روندی کاملاً طبیعی است که در دیگر حوزه‌های رقابتی اقتصاد نیز رخ می‌دهد (جعفری، ۱۳۸۹). لذا با عنایت به یافته‌های پژوهش می‌توان با اطمینان بالایی مقوله هسته به‌دست آمده یعنی "بی‌ثباتی نسبی" را به‌عنوان مقوله‌ای کلی مطرح کرد که مقولات فرعی و مفاهیم زیر مجموعه را تا حد زیادی پوشش می‌دهد (نمودار ۱). در یک جمع‌بندی کلی و با توجه به مدل بازسازی معنایی روند توقف مدارس غیردولتی می‌توان یافته‌های پژوهش را به‌صورت زیر خلاصه کرد:

۱. همه مصاحبه‌شوندگان به بستر تاریخی تحول مدارس غیردولتی و فراز و نشیب‌های آن توجه دارند و دائماً وضع گذشته، حال و آینده این مدارس را با نگاهی تطبیقی مورد توجه قرار می‌دهند.
۲. اکثریت مصاحبه‌شوندگان بر نقش عوامل اثرگذار بر روند توقف مدارس غیردولتی تأکید دارند و خواهان تغییر در عملکرد آنان هستند.
۳. اکثریت مصاحبه‌شوندگان اتفاق نظر دارند که حجم سرمایه‌گذاری دولت برای نوسازی و بازسازی مدارس باعث شده است که وضع ظاهری مدارس دولتی بهتر از مدارس غیردولتی باشد. آنان همراهی این عامل را با تغییر وضع مدارس دولتی

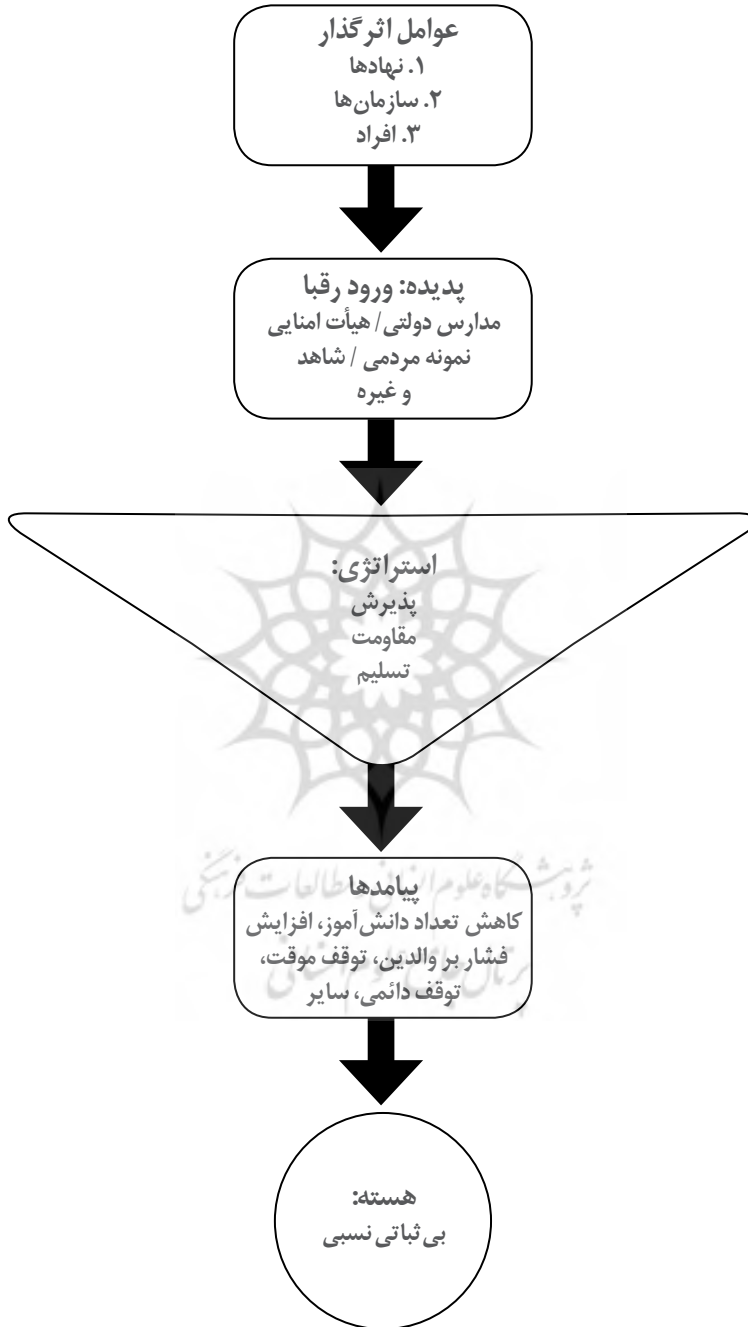
به هیئت امنایی، باعث شکست بیشتر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در امر آموزش می‌دانند.

۴. علی‌رغم اینکه بسیاری از مصاحبه‌شوندگان هنوز تداوم کمک‌های دولتی را لازم می‌دانند، ولی این باور روز به روز در بین آنان قوی‌تر می‌شود که محدودیت‌های موجود و افزایش رقابت بین مدارس، جذابیت‌های اقتصادی این حوزه را برای سرمایه‌گذاران بالقوه با شتابی فزاینده کاهش می‌دهد.

۵. با عنایت به نکات قبلی، مصاحبه‌شوندگان خروج مؤسسان ضعیف را امری طبیعی قلمداد می‌کنند. با این وجود، آنان معتقدند که دولت باید از دخالت در تعیین شهریه خودداری کرده و آن را نیز به امری رقابتی مبدل سازد.

■ پیشنهادها ■

- با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای زیر برای کاهش و تعدیل نقش نهادها، سازمان‌ها و افراد در روند توقف مدارس غیردولتی ارائه می‌گردد:
- کاهش نقش دولت به نقش نظارتی و تعیین الگوی شهریه بر بنیان واقعیات محیطی هر استان
 - کاهش صدور مجوز تأسیس مدارس جدید توسط وزارت آموزش و پرورش با عنایت به کاهش تعداد دانش‌آموز در کشور
 - کمک دولت به تأسیس صندوق حمایت از توسعه مدارس غیردولتی موضوع ماده ۱۳ "قانون تأسیس و اداره مدارس غیردولتی" مصوبه ۱۳۸۷/۲/۱۵ مجلس شورای اسلامی
 - تعیین و تأمین منابع مالی بانک‌ها برای اجرای ماده ۱۰ قانون مذکور
 - تصویب آیین‌نامه جدید مبنی بر افزایش فاصله بین مدارس در هر دو جنس به ۱ کیلومتر
 - اعزام مجدد نیروهای مازاد آموزش و پرورش به مدارس غیردولتی با اولویت اجرا در شهرستان‌ها و استان‌های کمتر توسعه یافته
 - حذف ضوابط علمی و گزینشی موضوع ماده ۲۳ برای فرهنگیان بازنشسته شاغل در مدارس غیردولتی
 - تأسیس بانک اطلاعاتی "مؤسسان موفق" براساس معیارهای عینی جهت معرفی به سرمایه‌گذاران بالقوه.



منابع

- امیرکبیری، علیرضا. (۱۳۷۷). *سازمان و مدیریت*. تهران: نشر ملک.
- انصاری، عبدالله. (۱۳۸۴). *مطالعات مربوط به اصلاحات در حوزه اقتصاد و برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش*. تهران: وزارت آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- اورنگ، عباس. (۱۳۹۰). *دستگاه آموزش و پرورش ایران، گسترده، ناکامد*. قابل دستیابی در سایت: <http://100setoon.com/post-185.aspx>
- پیامی خانقاه، عبدالله. (۱۳۸۳). *مطالعه کارایی درونی مدارس راهنمایی تحصیلی غیرانتفاعی و مقایسه آن با مدارس دولتی در شهر اردبیل (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)*. مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی اردبیل.
- جعفری، پروش. (۱۳۸۹). *مشارکت بخش خصوصی در آموزش و پرورش*. تهران: سازمان خصوصی سازی.
- جواد، مریم. (۱۳۸۵). *بررسی رفتار مصرفی خانوارهای ایرانی به منظور تأمین مالی آموزش فرزندان خود طی سال‌های ۸۳-۱۳۷۰*. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت، گروه اقتصاد آموزش و پرورش.
- دفتر پشتیبانی و توسعه مدارس غیردولتی. (۱۳۸۸). *گزارش عملکرد مدارس و مراکز غیردولتی در سال تحصیلی ۸۱-۸۷*. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- دفتر پشتیبانی و توسعه مدارس غیردولتی. (۱۳۹۰). *گزارش عملکرد مدارس و مراکز غیردولتی در سال تحصیلی ۹۰-۸۹*. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- عظیمی‌آرانی، حسین. (۱۳۸۵). *مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران*. تهران: نشر نی.
- فلاحی، کیومرث. (۱۳۸۸). *مطالعه تطبیقی وضعیت مدارس غیردولتی در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران و نظام‌های آموزشی متمرکز و نامتمرکز: تطبیق وضعیت مدارس غیردولتی ایران و چند کشور آسیایی، اروپایی، آفریقایی، آمریکایی و استرالیا*. تهران: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت، گروه مدیریت و تأمین نیروی انسانی.
- گل‌پرور، محسن. (۱۳۸۳). *بررسی نگرش افراد جامعه نسبت به مدارس غیرانتفاعی در شهر اصفهان*. اصفهان: سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۰). *گزیده جامعه‌شناسی (ترجمه حسن چاوشیان)*. تهران: نشر نی. (اثر اصلی در سال ۱۹۹۱ چاپ شده است)
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۰). *روش تحقیق کیفی*. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان
- محمدی نائینی، مژگان. (۱۳۸۶). *ارزشیابی عملکرد مدارس غیرانتفاعی استان مرکزی در سه دوره ابتدایی، راهنمایی و متوسطه در سال ۸۵-۱۳۸۴*. اراک: سازمان آموزش و پرورش استان مرکزی.
- مصری، کتابون. (۱۳۸۷). *بحران ورشگستگی مدارس غیر انتفاعی*. بانک مقالات آموزشی و فرهنگی. قابل دستیابی در سایت: <http://rasatous.ir/wordpress/archives/267>
- معدن‌دار آرانی، عباس و سرکار آرانی، محمدرضا. (۱۳۸۸). *آموزش و توسعه: مباحث نوین در اقتصاد آموزش*. تهران: نشر نی.
- معدن‌دار آرانی، عباس؛ کاکیا، لیدا و مؤذنی، بتول. (۱۳۹۲). *بررسی عوامل مؤثر بر توقف فعالیت مدارس غیردولتی و ارائه راهکار برای آن*. فصلنامه تعلیم و تربیت، ۲۹(۳)، ۱۰۹-۱۲۶
- نادری، ابوالقاسم. (۱۳۸۳). *اقتصاد آموزش*. تهران: نشر یسپرون.
- Allan, G. (2003). A critique of using grounded theory as a research method. *Electronic Journal of Business Research Methods*, 1(2), 1-10.
- Bryson.J.M. (1998). *Strategic planning for public and nonprofit organizations*. San Francisco: Jossey-Bass.
- Bunar.N. (2012). *Parents and teachers on local school markets: Evidence from Sweden, National Center for the Study of Privatization in Education*. Retrieved from <http://ncspe.org/readrel.php?set=pub&cat=272>.
- Desai. S., Dubey. A., Vanneman. R. & Banjeri, R. (2008). *Private schooling in India: A New*

بررسی نقش نهادهای سازمان‌ها و افراد در توقف مدارس غیردولتی از نظر مؤسسان و کارشناسان: بازسازی معنایی

- of Privatization in Education. Retrieved from <http://ncspe.org/readrel.php?set=pub&cat>.
- Patton. M. (2001). *Qualitative research & evaluation methods*. London: Sage Publication Ltd.
 - Weiss, A. (1995). Human capital vs signaling explanations of wages. *Journal of Economic Perspectives*, 9(4), 133-154.
- Educational Landscape*. Brookings-NCAER India Policy Forum.
- Hage, J. Garnier, M & Fuller, B. (1988). The active state, investment in human capital and economic growth: France, 1825-1975. *American Sociological Review*, 53(6), 824-837.
 - Harma. J. (2009). *Private responses to state failure: the growth in private education and why in Lagos, Nigeria*. National Center for the Study



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فصلنامه علمی - پژوهشی

پی‌نوشت‌ها

3. Weiss
 4. Hage, Garnier & Fuller
 5. Grounded Theory
 6. Allen
 7. Patton
 8. Sensitizing Concepts
 9. Saturation
 10. Bryson
 11. Desa
 12. Dubey
 13. Vanneman
 14. Banjeri
 15. Harma
 16. Bunar
۱. مقاله حاضر حاصل بخشی از نتایج پژوهشی به نام "بررسی علل توقف مدارس غیردولتی و ارائه راهکار برای آن" است که با حمایت مالی پژوهشگاه تعلیم و تربیت وزارت آموزش و پرورش انجام شده است که بدین وسیله از ریاست محترم آن مؤسسه تشکر و قدردانی می‌شود.
 ۲. گرچه برای درک زمینه‌های بروز پدیده "توقف مدارس غیردولتی" نگاهی به سیر تاریخی تأسیس این مدارس در ایران ضروری به نظر می‌رسد، ولی برای اجتناب از تکرار مطالب خوانندگان محترم را به مقاله دیگری از نویسنده حاضر ارجاع می‌دهم (معدن‌دار آرانی، کاکیا و مؤذنی، ۱۳۹۲).